

جدول ۳. راهنمای کتابتِ همزه

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«ا، آ»	«أ، آ»
«ء»	«ئ، ے»	«و، و»		
بُطء	ائتلاف	تلاؤ	قرآن	بأس
بَطیء	ارائه	رؤسا	لائی	تأثیر
جزء	اسائہ	رؤیا	مأل	تأخر
سوء	استثنائات	رؤیت	مرآت	تأخیر
شیء	استثنائی	سؤال	مآخذ	تأدیب
ضوء	القائات	فؤاد	مآثر	تأذی
فیء	اورلٹان	لؤلؤ	منشآت	تأسف
ماء	ایدئالیسم	لؤم	مآب	تأسیس
	بثاتریس	مؤالفت	مآرب	تأکید
	بشر	مؤانست		تألف
	پرومتئوس	مؤتلف		تألیف
	پنگوئن	مؤنمن		تأمل
	تبرئہ	مؤثر		تأمین
	تخطئه	مؤدب		تأنی
	تثاتر	مؤدی		تأنیث
	تئودور	مؤذن		تأویل
	توطئه	مؤسس		تقال
	جزئی	مؤسسہ		تلاؤ
	سوئی	مؤکد		توأم

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«آ، آ»	«أ، ا»
« ۶ »	« د، دہ »	« و، وہ »		
	جرئت	مؤلف		خلاً
	دنائت	مؤمن		رأس
	دوئل	مؤنث		رأى
	رافائل	مؤؤل		سبأ (قرآنى)
	رئالیست	مؤید		شأن
	رئالیسم			مأثور
	رئوس			مأجور
	رئوف			مأخذ
	رئیس			مأخوذ
	ژوئن			مأذون
	ژوفیزیک			مأكول
	سٹانس			مألوف
	سٹول			مأمن
	سوئڈ			مأمور
	سینٹات			مأنوس
	شائول			مأوا
	شٹون			مأیوس
	قرائت			مبدأ
	قرائات			متأثر
	کاکائو			متأخر
	کلثوپاترا			متأدى
	لائوس			متألم

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
« ء »	« ؤ، ئ »	« و، ءو »	« آ، آء »	« ا، آء »
	لثام، لثیم لثون لوئی ماثو ماثو مسائل مسئول مثنوت مرثوس مرئی مشمئز ناپلثون نشه نشئت نوئل نثون ویدئو هیئت			متأمئل متأهل متلائی مستأصل ملأ ملجأ منشأ نبأ (قرآنی) یأس

واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی

«ة» در واژه‌ها و ترکیبات و عباراتِ مأخوذ از عربی به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. اگر در آخرِ کلمه تلفظ شود، به صورتِ «ت» نوشته می‌شود:

رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، برائت

استثنا: صلوة، مشکوة، زکوة، رحمة الله علیه (آنجا که مراعاتِ رسم الخطّ قرآنی این کلمات در نظر باشد).

۲. اگر در آخرِ کلمه تلفظ نشود، به صورتِ «ه/ه» (های غیر ملفوظ) نوشته می‌شود:

علاقه، معاینه، نظاره، مراقبه، آتیه

و در این حالت از قواعد مربوط به های غیر ملفوظ تبعیت می‌کند

علاقه‌مند، نظارگان، معاینه بیمار، مراقبه‌ای

۳. در ترکیباتِ عربی رایج در فارسی، مانند کلمة الوداد، لیللة القدر، ثقة الاسلام،

خاتمة الامر، دایرة المعارف، معمولاً به صورتِ «ة/ة» نوشته می‌شود، اما

گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجّت الاسلام و آیت الله، به صورتِ «ت»

می‌آید که آن هم درست است.

«و» که در برخی از کلمه‌های عربی، مانند زکوة، حیوة، مشکوة، صلوة به صورت «آ» تلفظ می‌شود، در فارسی (جز در مواردی که رعایت رسم الخط قرآنی این‌گونه کلمات مورد نظر باشد) به صورت «الف» نوشته می‌شود.^۱

زکات، حیات، مشکات، صلوات

تبصره: کلمه‌هایی مانند زکوة، مشکوة، صلوة (اگر به این صورت نوشته شده باشد)، در اضافه به «ی» نسبت یا وحدت، با «ا» و «ت» نوشته می‌شود:

زکاتی، مشکاتی، صلواتی، حیاتی

«الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. الی، علی، حتی، اولی، اولی

۲. اسمهای خاص:

عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی

تبصره: واژه‌هایی مانند اسمعیل، هرون، رحمن که در رسم الخط قرآنی به این صورت نوشته می‌شود در فارسی با «الف» نوشته می‌شود: اسماعیل، هارون، رحمان. بعضی کلمات از قاعده فوق مستثناست الهی، اعلیحضرت...

۳. ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است:

اعلام‌الهدی، بدرالدجی، طوبی‌لک، لاثعدولاثخصی، سدرة‌المنتهی، لاثخصی (صیغه‌های فعلی)

— اسامی سوره‌های قرآن (مانند یس، طه، و...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می‌شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طاهها و... قاعده تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می‌شود.

۱. اسامی خاص در متون قدیم و نام خانوادگی اشخاص، اگر با املائی عربی ثبت شده باشد، به همان شکل حفظ می‌شود: مشکوة‌الدینی، حیوة‌الحیوان و اگر با املائی فارسی ثبت شده باشد به صورت رحمت‌الله، حشمت‌الله نوشته می‌شود.

تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری

هجای میانی «-وو-»

آوردنِ تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته‌های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است. تنوین به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. تنوین نصب: در همه جا به صورتِ «أ/أ» نوشته می‌شود:

واقعاً، جزئاً، موقتاً، عجالاً، نتیجتاً، مقدمتاً، طبیعتاً، عمداً، ابدأً

تبصره ۱: کلمه‌های مختوم به همزه، مانند جزء، استثناء، ابتداء، هرگاه با تنوین نصب همراه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی» می‌آید و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد: جزئاً، استثنائاً، ابتدائاً.

تبصره ۲: تاء عربی «ة/ة»، اعم از آنکه در فارسی به صورتِ «ت» یا «ه/ه» (های غیرملفوظ) نوشته یا تلفظ شود، در تنوین نصب، بدل به «ت» کشیده می‌شود و علامت تنوین روی الفی که پس از «ت» می‌آید قرار می‌گیرد، مانند نتیجتاً، موقتاً، نسبتاً، مقدمتاً، حقیقتاً.

۲. تنوین رفع و تنوین جزّ: در همه جا به صورتِ ^{هـ} و ^و نوشته می‌شود و فقط

۱. اگر بخواهیم بی‌تنوین خوانده شود: مطلقاً، اصلاً، ابدأ.

در ترکیبات مأخوذ از عربی که در زبان فارسی رایج است به کار می‌رود:
 مشاءُ الیه، مضافُ الیه، منقولُ عنه، مختلفُ فیهِ، متفقُ علیهِ
 بعبارةٔ آخری، اباعن جلد، ای نحوکان

گذاشتن تشدید همیشه ضرورت ندارد مگر در جایی که موجب ابهام و التباس شود که یکی از مصادیق آن هم نگاشت‌هاست^۱:
 معین / معین؛ علی / علی؛ دوار / دوار؛ کُره / کُوه؛ بنا / بنا
 تبصره: در متون آموزشی برای نوآموزان و غیرفارسی‌زبانان و نیز در اسناد و متون رسمی دولتی، گذاشتن تشدید در همه موارد ضروری است.

حرکت‌گذاری تنها در حدی لازم است که احتمال بدخوانی داده شود:
 عَرَضه / عَرَضه؛ حَرَف / حَرَف؛ بُزْد / بُزْد؛ سِرْچشمه / سِرْچشمه

واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:
 طاووس، لهاور، کیکاووس، داوود

تبصرهٔ ۱: نوشتن «داود» با یک واو به تبعیت از رسم الخط قرآنی بلامانع است.
 تبصرهٔ ۲: در مورد نام شخص، ضبط نهادی شده (مطابق شناسنامه) اختیار می‌شود:
 کاوس، کاوسی.

۱. هم‌نگاشت: به واژه‌هایی اطلاق می‌شود که دارای املائی واحد اما دو تلفظ و دو معنی متفاوت است.

ترکیبات*

در باب پیوسته‌نویسی و یا جدانویسی ترکیبات در زبان فارسی سه فرض قابل تصور است:

۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.
۲. تدوین قواعدی برای پیوسته‌نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.

۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی از کلمات مرکب و پیوسته‌نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار در خصوص سایر کلمات به نویسندگان. فرهنگستان در تدوین و تصویب «دستور خط فارسی»، فرض سوم را برگزیده و تنها موارد الزامی جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی را به شرح زیر معین کرده است:

الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود:

۱. کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود همیشه جدا نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم»، با رعایت

* در اینجا ترکیبات شامل مرکب و مشتق است و به معنایی اعم از معنای مورد نظر نویسندگان کتابهای دستور زبان به کار رفته است.

استثناهایی، ساخته می شود و احکام آن در «املائی بعضی از واژه ها و پیشوندها و پسوندها» (ص ۲۲ و ۲۳) آمده است.

۲. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می شود همیشه پیوسته نوشته می شود، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:

نظام‌مند، آب‌بان

ب) جزء اول آن عدد باشد:

پنج‌گانه، ده‌گانه، پانزده‌گانه

استثنا: بیستگانی (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و یا پیوسته نویسی تابع قاعده‌ای نیست، در بعضی کلمه‌ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می شود:

طوطی‌وار، فردوسی‌وار، طاووس‌وار، پری‌وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳. مرکبهایی که بسیط‌گونه است:

آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سیصد، هفتصد،

یکتا، بیستگانی

۴. جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک‌هجایی باشد:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: جزء دوم، اگر با «آ» آغاز شود و بیش از یک هجا داشته باشد، از قاعده‌ای تبعیت نمی‌کند: گاهی پیوسته نوشته می شود، مانند دل‌اویز، پیشاهنگ، بسامد، و گاهی جدا، مانند دانش‌آموز، دل‌آگاه، زبان‌آور.

۵. هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مزج یا جابه‌جایی آوایی

در داخل آنها روی داده باشد:

چنو، هشیار، ولن‌گاری، شاه‌سپرم، نستعلیق، سکنجبین

۶. مرکبی که دست کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد:

غمخوار، رنگرز، کهربا

۷. مرکب‌هایی که جدا نوشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند:^۱
بھیار (به یار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام)
۸. کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها تک‌هجایی باشد و به صورت رسمی یا نیمه رسمی، جنبه سازمانی و اداری و صنفی یافته باشد:
استاندار، بخشدار، کتابدار، آشپز

(ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود:

۱. ترکیبهای اضافی (شامل موصوف و صفت، و مضاف و مضاف‌الیه):
دست کم، شورای عالی، حاصل ضرب، صرف نظر، سیب زمینی، آب میوه،
آب لیمو
۲. جزء دوم با «الف» آغاز شود:
دل انگیز، عقب افتادگی، کم احساس
۳. حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم‌مخرج باشد:
آیین نامه، پاک‌کن، کم مصرف، چوب‌بری، چوب‌پرده
۴. مرکبهای اتباعتی و نیز مرکبهای متشکل از دو جزء مکرر:
سنگین‌رنگین، پول‌مول، تک‌تک، هق‌هق
۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:
سخن‌گفتن، نگاه‌داشتن، سخن‌گفتم، نگاه‌داشتم
۶. مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد:
خوش‌پُز، شیک‌پوش، پاگون‌دار
۷. عبارتهای عربی که شامل چند جزء باشد:
مع‌ذلک، من بعد، علی‌هذا، ان‌شاءالله، مع‌هذا، باری‌تعالی، حق‌تعالی،
علی‌ای‌حال

۱. این التباس بیشتر در په، که و که (صورت که بیشتر در قدیم و عمدتاً در شعر به کار رفته است) مشاهده می‌شود: بهساز، کهربا، کهکشان، کهگیل، کهریز، کُھسار.

تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» جایز است.
۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:

پنج تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، نه‌فلک، ده‌چرخه

تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته‌به‌مورد و با توجه به قواعد دیگر، با هر دو املا صحیح است:

یکسویه / یک‌سویه؛ یکشبه / یک‌شبه؛ یکسره / یک‌سره؛ یکپارچه /
یک‌پارچه

۹. کلمه‌های مرکبی که جزء اول آنها به های غیرملفوظ ختم شود (های غیرملفوظ در حکم حرف منفصل است):

بهبانه‌گیر، پایه‌دار، کناره‌گیر

تبصره: کلمه‌هایی مانند تشنگان، خفتگان، هفتگی، بچگی که در ترکیب، های غیرملفوظ آنها حذف شده و به‌جای آن «گ» میانجی آمده است، از این قاعده مستثناست.

۱۰. کلمه با پیوسته‌نویسی، طولانی یا نامأنوس یا احياناً پردندانه شود:

عافیت‌طلبی، مصلحت‌بین، پاک‌ضمیر، حقیقت‌جو

۱۱. هرگاه یکی از اجزای کلمه مرکب دارای چندگونه مختوم به حرف منفصل و حرف متصل باشد، چون جدانویسی‌گونه یا گونه‌های مختوم به حرف منفصل اجباری است به‌تبع آن جدانویسی‌گونه یا گونه‌های دیگر نیز منطقی‌تر است:

پابره‌نه / پائی‌برهنه؛ پامال / پائی‌مال

۱۲. یک جزء کلمه مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد:

اجل‌رسیده، نمک‌پرورده، اخلاص‌کننده، پاک‌کننده

۱۳. یک جزء آن اسم خاص باشد:

سعدی‌صفت، عیسی‌دم، عیسی‌رشته‌مریم‌بافته

۱۴. جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد:

نیک بخت، هفت پیکر، شاه نشین، سیه چشم

۱۵. هرگاه با پیوسته نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً ابهام معنایی

پدید آید:

پاک نام، پاک دامن، پاک رای، خوش بیاری